



بررسی انسان شناختی نحوه عزاداری ایرانیان مقیم هند

(بنجاری‌ها) در روز عاشورا

ندا حسین طهرانی*

(تاریخ دریافت مقاله اردیبهشت ۱۳۹۳/۹/۲۶، تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۱۰/۳۰)

چکیده

ایرانی‌های مقیم هند (بنجاری‌ها) در بیشتر ایالت‌های هندوستان پراکنده‌اند و در حال حاضر همگی مسلمان و شیعه دوازده امامی‌اند و بزرگترین عزاداری را در روز عاشورا در این کشور برگزار می‌کنند. با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خاص این اقوام و حضور طولانی مدت آنها در این کشور و تأثیرات فرهنگی مردم هند بر این اقوام، نحوه برگزاری عزاداری‌ها می‌تواند به عنوان یک پژوهش مهم شناخته شود. منابع مکتوب در مورد این اقوام بسیار محدود است. این مقاله ضمن پرداختن به خلاصه‌ای از جنبه‌های مختلف زندگی این اقوام، ویژگی‌های مهمی چون گویش، چگونگی مهاجرت، زمان و مسیر دقیق مهاجرت این اقوام را به بحث نهاده و به طور کلی به نحوه برگزاری عزاداری آنان در روز عاشورا می‌پردازد. این پژوهش با تکیه بر مصاحبه شفاهی، عکس و مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: ایرانی‌های مقیم هند (بنجاری‌ها)، عزاداری در روز عاشورا، مهاجرت، هویت.

* دانشجوی دکترا رشته باستان‌شناسی گرایش قوم‌باستان‌شناسی، دکن کالج (دانشگاه مستقل)، پونا- هند (نویسنده مسئول) / www.nedatehrani.com / Nedahtehrani113@gmail.com

مقدمه

امروزه کولی‌ها در سرتاسر جهان با مسائل اجتماعی و فرهنگی جدیدی مواجه هستند. بنابراین، ماهیت واقعی کولی‌ها و مشخص کردن هویت آنها در گذشته و حال در نتیجه پژوهش‌های مردم‌شناسی آشکار می‌گردد. هدف از پژوهش اخیر، شناخت و آشنایی با گذشته این اقوام و همچنین زندگی اجتماعی- فرهنگی آنها است. از دیگر نکات مهم مقاله حاضر، پرداختن به مسایلی همچون، نحوه مهاجرت، علت یکجا نشینی و مسیر مهاجرت آنها از هند به ایران و نحوه عزاداری آنها در روز عاشورا است. این مقاله بر اساس پژوهش میدانی‌ای که در سال ۱۳۹۰ با تمرکز بر کولی‌های ایرانی مقیم پونا انجام شده است، نوشته شده است.

روش شناسی

به دلیل نبود آگاهی در مورد گذشته تاریخی این اقوام، آنچه ما را با خصوصیت زندگی قبلی این قوم‌ها آشنا می‌سازد؛ نقل قول‌هایی است که نسل به نسل در خاطره‌ها محفوظ مانده است. بنابراین برای مطالعه در مورد تاریخچه و نحوه زندگی آنها در پژوهش اخیر از دو روش استفاده شده است:

روش اول: جمع‌آوری اسناد و مدارک، کتاب‌ها و منابعی که به این قوم پرداخته‌اند.

روش دوم: جمع‌آوری اطلاعات محلی و تهیه پرسشنامه.

در این پژوهش میدانی ویژگی‌های تمامی اقوام مورد مطالعه به وسیله عکس و فیلم برداری، مستندنگاری شده است.

بررسی ادبیات موضوع

در چند دهه اخیر نحوه زندگی کولی‌ها ایرانی مورد توجه مردم‌شناسان قرار گرفته است و تا کنون چندین محقق و مردم‌شناس به پژوهش در مورد زندگی و مهاجرت آنها پرداخته‌اند. در چندین کتاب نیز به این اقوام اشاره شده و مطالبی در مورد آنها به نگارش در آمده است. در میان این آثار، یکی از قدیمی‌ترین آنها اثری به‌خامه حمزه اصفهانی است. در

کتابی از حمزه اصفهانی که متعلق به قرن دهم میلادی است، در مورد چگونگی ورود دوازده هزار موسیقی‌دان از هند به ایران شرح داده شده است (نک. دورودفولیته، ۱۳۶۵). همچنین در کتاب‌هایی چون *کولی و زندگی او* (نک. ذکا، ۱۳۳۷)، پژوهشی در زمینه *کولی‌های ایران و جهان و کولی‌های خراسان* (نک. افشار سیستانی، ۱۳۷۸، ۱۳۷۷)، *کولی در گذر تاریخ* (نک. سیادت، ۱۳۸۵)، غربتی‌ها (کولی‌ها) (نک. فره‌وشی، ۱۳۸۵) از آنان سخن رفته است. در برخی از کتاب‌ها که در مورد مردمان ایران یا عشایر صحبت شده، اشاراتی نیز به نحوه زندگی کولی‌های آن منطقه شده است (همچنین نک. نوذری، ۱۳۷۶).

اما مردم‌شناسان و محققان دیگر نقاط جهان نیز به بررسی زندگی بنجاری‌ها و کولی‌های هند پرداخته‌اند. بنجاری‌ها اقوام چادرنشین و کوچ‌رویی هستند که بنا به شغلشان کوچ می‌کنند و آنها را در هر جا، به نام‌های گوناگونی می‌خوانند. نظام اجتماعی آنان انسجامی ندارد و بیشتر در اطراف شهرها و روستاها زندگی می‌کنند (میسرا، ۱۹۷۷، ۱۰-۲۵). آنها مردمانی هستند که از محلی به محل دیگر کوچ کرده و کارهای مختلفی انجام می‌دهند. این مردم در سر تا سر دنیا بخصوص در کشور هندوستان حضور دارند و هر کدام، از راه و روش و زندگی خاص برخوردارند و برای به دست آوردن شرایط زندگی بهتر در طول سال کوچ می‌کنند (همان). بعضی از مشاغل این کولی‌ها عبارت‌اند از: ساخت صنایع دستی، شکار، آهنگری، فروش اجناس دست دوم، فروش سنگ‌های نیمه قیمتی، کار در سیرک، فروش اشیاء جادویی، فروش داروهای گیاهی، کارهای ساختمانی، فال‌گیری و حتی گدایی (چیلدرس، ۱۹۷۵). این اقوام عمدتاً برای به دست آوردن غذا و فروش اجناسشان، وابسته به مردم ساکن در شهرها یا روستاها هستند (میسرا، ۱۹۷۷، ۲۳).

کولی‌ها که در طول تاریخ همیشه مورد آزار قرار گرفته‌اند، یکی از اقلیت‌هایی هستند که چهره آنها در طی تاریخ طولانی و پررنجشان دگرگون شده است. اجتماع کولی‌ها همواره از سوی سایر فرهنگ‌ها تحت فشار بوده و شیوه زندگی آنها مورد تهدید است؛ چنان که هم‌اکنون نیز خیلی از روستاییان و شهرنشینان، آنان را به عنوان یک شهروند یا روستایی به حساب نمی‌آورند و حتی عده‌ای از آنها هنوز نمی‌توانند تحصیل نمایند. در این باره می‌توان به منابع گوناگونی اشاره نمود که به فشارهای فرهنگی بر روی کولی‌ان در کشورهای چون ایتالیا اشاره داشته‌اند (کولچیچی، ۱۳۸۷). تمامی این تبعیض‌ها باعث گردیده است که بیشتر آنها یکجا نشین شوند. در ایران این اقوام بنا به مسائل فوق، کولی بودن خود را انکار می‌کنند، اما مطالعات مردم‌شناختی و تاریخی نشان می‌دهد که کولی‌ها در سرتاسر ایران پراکنده‌اند و در نقاط مختلف ایران به نام‌های مختلفی نیز شناخته می‌-

شوند، چنانکه در استان خراسان به نام های فیوج، غربتی، غیرشمار و کولی، در استان کرمان به نام لولی، در شمال کشور به نام کولی، در جنوب نیز به نام غربتی و کولی، در تهران به نام غربال بند، در کرمانشاه و کردستان با نام سوزمانی، در زنجان کیلانی، در آذربایجان قره چی، در مازندران و گرگان جوکی، در شیراز غربتو و در بلوچستان لوری خوانده می‌شوند. در هندوستان آنها را بنجاری و کاولی نیز می‌نامند (ذکاء، ۱۳۳۷). به طور کلی با توجه به واکنش‌های اجتماعی و سیاسی، نسبت به این اقوام در طی تاریخ، مردم و همچنین پادشاهان همیشه در مورد آداب و رسوم و منشاء ایشان کنجکاو بوده‌اند (ایواتس، ۱۳۵۳).

در همه دوره‌های زمانی، عده‌ای سعی داشته‌اند تا کولی‌ها را اقوامی بیگانه و غیر اجتماعی که از خود فرهنگی ندارند جلوه دهند (رینیر، ۱۳۸۰). این تصویر نادرست و وارونه از کولی‌ها، به عنوان مردمی آواره و خطرناک، باعث رانده شدن آنها از جوامع شهری و روستایی گردیده است (همان). پژوهش‌هایی که در رشته‌هایی همچون زبان‌شناسی و نژادشناسی صورت گرفته، منشاء هند و آریایی کولی‌ها را به طور قاطع روشن کرده است. اما ماهیت دقیق پیوند خویشاوندی میان کولی‌های سراسر نقاط جهان و کولی‌هایی که در شمال غربی هند زندگی می‌کنند، هنوز معلوم نشده است (پوتنه، ۱۳۶۵).

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه شهر پونا در ایالت ماها رشترا

ایالت ماها رشترا در جنوب غربی هند قرار دارد. از شمال شرقی با ایالت گجرات از شمال با ایالت مادیاپرادش، از سمت جنوب با ایالت کارناتاکا و گوا، از شرق با ایالت اوریساه، از سمت جنوب شرقی با ایالت آندراپرادش و از غرب با دریای عرب هم‌مرز می‌باشد. شهر پونا در غرب ایالت ماها رشترا در ۱۵۰ کیلومتری شرق بمبئی و ۵۶۰ متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد (تصویر ۱).

محل زندگی بنجاری‌های ایرانی مقیم هند در منطقه شیواجی نگر واقع در شمال غربی شهر پونا است. در این منطقه چندین خانوار از بنجاری‌های ایرانی که یکجا نشین شده‌اند، زندگی می‌کنند و محله آنها به محله ایرانی‌ها معروف است (گفت و گوی نگارنده با شکیلا ایرانی، ۱۳۹۰). آنها در کنار ایستگاه راه‌آهن شیواجی نگر ساکن هستند. این قوم در بسیاری از ایالت‌های هندوستان از جمله مهاراشترا، گجرات، راجستان، پنجاب، اوتترپرادش، مادیا پرادش، آندرا پرادش و کارناتاکا (بنگلور) پراکنده‌اند (نک. نقشه شماره ۲). آنها مانند

بنجاری‌های ایرانی، نام‌های مختلفی داشته‌اند. به عنوان مثال در ایالت کارناتاکا به نام بنگدادی، بلوچی، پارسی، و قزلباش شناخته می‌شوند و در ایالت‌های آندراپرادش، مادیاپرادش و ماها رشترا آنها را غربتی، بنجاری و کولی می‌نامند (عباس، ۲۰۰۱).

بنا به گفته آنها، در گذشته اجدادشان برای تجارت اسب ایرانی، فرش و جواهرات به ایران می‌آمدند. تمامی کالاهای کولی‌های ایرانی در هند تقاضای زیادی داشت. بخصوص اسب‌ها به افسران عالی رتبه و پادشاهان فروخته می‌شد. برخی از آنان در ارتش مغول شرکت داشتند و برخی از آنان کشتی‌گیران حرفه‌ای بودند (همان). آنها سالیان سال به تمامی شهرهای ایران نیز کوچ می‌کردند. طبق گفت و گوهای متعدد، آنها اظهار داشتند، از راه زمینی وارد پاکستان شده و سپس در سیستان و بلوچستان و مناطق جنوبی ایران پراکنده شدند و بیشتر آنها در مناطق جنوبی ایران زندگی می‌کردند (تصویر ۲). بنجاری‌های ایرانی مقیم هند بر این باور بودند که آنها در گذشته به دلیل اختلافی که با یکی از خوانین ایران به نام شاه ملک محسن پیدا کردند، همگی به هندوستان گریختند. بر طبق گفته اجدادشان، این اقوام زمان مهاجرت خود را به هندوستان در حدود چهار قرن پیش می‌دانند. بنجاری‌های ایرانی مقیم هند پس از وارد شدن به هندوستان در قسمت‌های مختلف این کشور پراکنده شدند. مردم محلی همواره به دیده حقارت به آنها می‌نگریستند و بنجاری‌های هندی آنها را به عنوان بنجاری هندی قبول نداشتند و باعث آزار و اذیتشان می‌شدند (گفت و گوی نگارنده با شکیلا ایرانی، ۱۳۹۰). بنجاری‌های هندی آنها را رقیب خود در تجارت می‌دانستند و از آنها می‌خواستند که به ایران بازگردند و به تجارت در همان کشور بپردازند. به طور کلی بنجاری‌های ایرانی که به هند مهاجرت کردند و بنجاری‌های هندی که به ایران مهاجرت کرده بودند، به وسیله مردم پذیرفته نشدند و همواره به آنها به چشم مردمانی بیگانه نگاه می‌کردند. بنجاری‌های ایرانی مقیم پونا تا سال ۱۹۳۰م. در کار تجارت اسب، فرش و سنگ‌های قیمتی فعالیت داشتند. این محصولات توسط اشراف زادگان خریداری می‌شد و به مرور زمان تجارت آنها رکود پیدا کرد (همان). سپس آنان به فروش قیچی، چاقو، آینه و جواهرات مصنوعی پرداختند (گفت و گوی نگارنده با نازی ایرانی، ۱۳۹۰). آنها به شهرهای مختلف می‌رفتند و در کنار ایستگاه‌های قطار چادر می‌زدند. اما تجارت جدید نیز سودمند نبود و سپس روی به فروش عینک‌های آفتابی آوردند که تا به امروز نیز ادامه دارد (تصویر ۳).

در حدود ۴۰ سال پیش سردار غلام حسین، رهبر آنها تصمیم گرفت که در منطقه شیواجی نگر امروزی یکجانشین شوند و آنها در همان مکان‌هایی که در چادر زندگی می‌

کردند، خانه ساختند و یکجانشین شدند (نک. تصویر ۴، ۵ و ۶). دولت هندوستان نیز از کولی‌های ایرانی حمایت کرد و زمین‌ها را به غربتی‌های بمبئی و سانگلی (واقع در جنوب پونا) و مدرس واگذار کرد. کم‌کم بیشتر آنها در سرتاسر هند زندگی یکجانشینی را پیش گرفتند. هم‌اکنون عده زیادی از آنها در پاکستان زندگی می‌کنند. آنها خود را از طایفه‌های جانبازی، قافله‌بازی و سلطان مراد واری و کرمانی می‌دانند و در زمانی که اجداد آنها در ایران زندگی می‌کردند با این نام‌ها، طایفه‌های آنها از هم شناخته می‌شد. آنها بر این اعتقاد بودند که در اصل اجداد همه آنها یکی هستند، اما بر اساس انتخاب شغل از یکدیگر جدا شده و به گروه‌های مختلفی تبدیل شده‌اند (همان).

بنجاری‌ها، ایرانیان مسلمان

به گفته بنجاری‌ها شاه‌ملک محسن خواستگار گل‌شاه، یکی از دختران زیبای کولی بود. برادران او با ازدواج گل‌شاه موافق نبودند، چون ازدواج در بین بنجاری‌ها به صورت خویشاوندی صورت می‌گرفت. شاه‌ملک محسن دختر را می‌دزد و پنهانی او را به عقد خود در می‌آورد. برادران گل‌شاه، از جایگاه خواهرشان آگاه می‌شوند و او را می‌ربایند و همگی به هندوستان کوچ می‌کنند. بنجاری‌های ایرانی مقیم در پونا به زبان فارسی، هندی و اردو صحبت می‌کنند. رئیس به عنوان سردار شناخته می‌شود که با رای‌گیری انتخاب شده و کنترل این اقوام را بر عهده دارد. در حال حاضر تمامی آنها در سرتاسر دنیا مسلمان شده‌اند و شیعه دوازده امامی می‌باشند. آنها بزرگترین عزاداری را در روز عاشورا در هند برگزار می‌کنند. پس از تولد کودک در گوش او اذان خوانده می‌شود و چهل روز بعد از تولد کودک، مراسم نام‌گذاری برگزار می‌شود. پس از مرگ، بر طبق قوانین اسلام، مرده دفن می‌شود. برای او در روز سوم مرگ، مراسمی برگزار می‌کنند. آخرین مراسم تدفین در روز چهارم برگزار می‌گردد. اولین مراسم یادبود یک سال بعد برگزار می‌شود. در برنامه غذایی آنها گوشت استفاده می‌شود اما آنها از گوشت خوک استفاده نمی‌کنند. از گندم برای پختن نان استفاده می‌کنند و همانند دیگر مردم هند، نان چپاتی تهیه می‌کنند. از برنج برای پختن غذا، بسیار استفاده می‌کنند. در گذشته غذاهای ایرانی می‌پختند که به جز آبگوشت همه آنها را فراموش کرده‌اند و همانند دیگر مسلمانان هندی غذا می‌پزند. بیشتر زنان، بلوز با دامنی چین‌دار بر تن دارند و بعضی از آنها روسری بلندی را که تا روی پیراهن آنها را می‌پوشاند بر سر می‌کنند. در واقع این لباس ترکیبی است از لباس سنتی آنها با لباس مسلمانان هندی. دختران نیز لباس پنجابی بر تن دارند. در دوره‌های پیشین،

لباس آنها کاملاً شبیه لباس‌های برخی از بنجاری‌های هندی بوده است. مردان لباس سنتی بر تن نمی‌کنند و در واقع لباس آنها شامل پیراهن و شلوار ساده است و برخی از آنها همانند دیگر مسلمانان هندی لباس می‌پوشند (نک. تصویر ۷، ۸ و ۹).

اجتماع غربتی‌ها توسط سردار (رئیس)، رهبری که این فرد توسط اعضای گروه انتخاب می‌شود، مدیریت می‌شود. سردار باید سوابق خوبی داشته و در درون و بیرون گروه از نفوذ برخوردار باشد. او رهبر تمامی غربتی‌های هند است. سر دارهای منطقه‌ای نیز وجود دارند که گروه‌ها را در نواحی خاص هدایت می‌کنند. سردار مسئول تمامی فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی است. در گروه قانون را او تعیین می‌کند (همان). کودکان در مسجد محله زبان عربی، فارسی و اردو می‌آموختند و به مدرسه می‌رفتند. دختران و پسرانی که در بمبئی و سانگلی زندگی می‌کردند، در دانشگاه تحصیل می‌کنند.

آداب و مراسم عزاداری بنجاری‌های ایرانی در روز عاشورا

همانطور که گفته شد ایرانیان غربت، پیرو مذهب اسلام و شیعه اثنی‌عشری هستند. هر یک از این طوایف ایرانی سعی داشته‌اند تا در محل اقامت خود دست به احداث امام‌بارا به زبان هندی و به زبان فارسی به معنی دوازده امام که همان مفهوم و کاربرد حسینه یا تکیه را دارد، بزنند. امام‌بارا هم محل عبادت است و هم جهت برپایی اعیاد و مراسم مذهبی به ویژه به عنوان محل تجمع عاشورای حسینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مساحت و فضای هر امام‌بارا بسته به تعداد جمعیت ساکن و از همه مهم‌تر وضعیت اقتصادی آنها متفاوت است. در ورودی هر امام‌بارا کفش کن قرار دارد و پیش از ورود به صحن، افراد پاهای خود را در پاشویه شسته و اگر جهت نماز خواندن قصد ورود داشته باشند پس از وضو به امام‌بارا وارد می‌شوند. غالباً بر روی دیوارهای بیرونی و درونی امام‌بارا نام پیامبر و ائمه اطهار و آیاتی از قرآن مجید و اوقات شرعی نماز به زبان اردو نوشته شده است. ارزش و اعتبار در نزد ایرانیان غربت به داشتن امام‌بارا همچنین حضور فرد روحانی معروف به مولانایی است که جهت انجام فرایض مذهبی و برپایی نماز جماعت در آنجا اقامت دارد. اوج مراسم مذهبی در ایام محرم و به ویژه ده شب اول ماه محرم و روز عاشورا است. زن، مرد، پیر و جوان غربت از اول محرم تا آخر ماه صفر به مدت شصت روز در سوگ امام حسین و یارانش سیاه بر تن می‌کنند. این رسم به نظر می‌رسد برگرفته از برخی عشایر در ایران از جمله عشایر قشقایی فارس باشد که از نیاکان ایرانیان غربت در سرزمین مادری به نسل‌های پس از خود در کشور هند انتقال یافته است. این شباهت را می‌توان در لابه‌لای متون تحقیقی

در خصوص ایل قشقایی در ارتباط با عزاداری عاشورای حسینی دریافت. عشایر قشقایی در این زمان، نه تنها از کارهای جمعی حتی از کارهای ضروری روزمره هم صرفنظر می کنند. در این ایام، قالی یا فرش نمی بافند، رنگرزی و پشم ریزی کاملاً راکد است و حتی صرف تنقلات ممنون است (کیانی، ۱۳۷۶). زنان و گروهی از مردان برای دو ماهه محرم و صفر لباس مشکی پوشیده و در عزای آنها برنامه هایی اجرا می کنند و دسته های سینه زنی مردان در شب عاشورا حرکت کرده و اگر در آن نزدیکی ها امامزاده باشد، در جوارش نوحه خوانی و سینه زنی می کنند. دسته های سوگواری زنان هم پشت سر مردان دسته عزاداری را همراهی می کنند. شب عاشورا را به شب زنده داری و نوحه خوانی سپری کرده و از همان اوایل شب، نذری را برای عزاداران برای ظهر عاشورا تهیه می کنند (تصویر ۱۰). تدارکات مراسم عاشورا، لباس سیاه بر تن کردن و نذر و نیاز دادن از جمله ویژگی هایی هستند که جامعه ی ایرانی غربت از آنها به عنوان امتیاز برای طایفه خود سخن می گوید. در ایام سوگواری محرم دسته های سینه زنی، زنجیر و قمه زن به بیرون از محل امام بارآ آمده و در معابر و خیابان ها به عزاداری و نوحه خوانی می پردازند. آنها همانند هندوها که نمادی از خدایان مقدس را در محفظه ای می گذارند، تمثیلی از پنج تن و همچنین اسب امام حسین^(ع) را در محفظه ای قرار می دهند. دختران این جعبه ها را بر روی سر خود می گذارند و گاهی علم در دست می گیرند و در خیابان ها همراه دیگر مردان به عزاداری می پردازند (نک. تصویر ۱۱، ۱۲ و ۱۳). همانند هندوها که بخشی از خانه را به عنوان معبد و یا محل عبادت می سازند، بنجاری های ایرانی مقیم هند نیز در بخشی از خانه، عکسی از امام علی^(ع) و کتاب مقدس قرآن و نمادی از اسب امام حسین^(ع) را قرار می دهند (تصویر ۱۴، ۱۵).

نتیجه گیری

با توجه به اقامت چند صد ساله ایرانیان غربت در شبه قاره هند و کوشش آنان در حفظ فرهنگ خود چه به لحاظ گویش زبان فارسی و چه از نقطه نظر آداب و رسوم نیاکان شان در جامعه میزبان به خصوص در محرومیت ها، سختی ها و مشکلات فراوان، می توان به نشانه هایی از آداب و سنن کهن ایرانی در میان آنان دست یافت. آیین ها و سنن مزبور، نقشی مهم در یکپارچگی آنان داشته و در این میان، تجمع آنها در روزهای خاص، به خصوص در روز عاشورا باعث انسجام و همبستگی بیشتر آنها شده است.

در حال حاضر بیشتر بنجاری‌های ایرانی مقیم هند، یکجانشین شده‌اند. یکجانشینی و اسکان آنها به خاطر رهایی از زندگی خانه به دوشی و بهبود یافتن شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی آنهاست؛ زیرا زندگی چادرنشینی و دوره‌گردی ایجاب می‌کند که تولید به همان شیوه قدیمی و سنتی اجرا گردد و این شیوه زندگی و کار با توجه به تحولات سریعی که در زمینه‌های اقتصادی (تولیدی) و اجتماعی صورت می‌گیرد، با برخی شرایط مغایرت داشته است. این ناهماهنگی و عدم تعادل اقتصادی، مشکلات زیادی را در برابر خواسته‌های آنان به وجود می‌آورد اما تمامی این مسائل و مشکلات آنها را از لحاظ اعتقادات مذهبی سست نکرده و روز عاشورا را مهمترین روز انسجام و همبستگی خود می‌دانند.

منابع

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۷): پژوهشی در زمینه زندگی کولی های ایران و جهان، تهران: روزنه.
- _____ (۱۳۷۸): کولی های خراسان، تهران: هیرمند.
- ایوانس، آ (۱۳۵۴): «کولی ها در برابر جهان امروز»، نشریه پیام یونسکو، سازمان تربیتی، علمی فرهنگی ملل متحد شماره ۶۳، صص ۱۱-۴.
- دو رو دو فولتیه، اف (۱۳۶۵): «دنیا سرزمین آنها»، پیام یونسکو، سازمان تربیتی، علمی فرهنگی ملل متحد، شماره ۱۷۴، تهران: صص ۷-۵.
- ذکاء، یحیی (۱۳۳۷): کولی و زندگی او، تهران: انتشارات اداره کل هنر های زیبای کشور، اداره موزه ها و فرهنگ عامه.
- رینیر، آ (۱۳۸۰): «کولی ها طرد شدگان فقر زده»، پیام یونسکو، انتشارات سازمان تربیتی، علمی فرهنگی ملل متحد، شماره ۳۶۱، صص ۳۸-۴۰.
- سیادت، موسی (۱۳۸۵): کولی در گذر تاریخ، قم: قم.
- فرهوشی، بهرام (۱۳۵۸): غربتی ها (کولی ها)، تهران: جهانگیر.
- کولچچی، پیرو (۱۳۸۷): «کودکان کولی و جست و جوی غذا»، ترجمه: مهرداد وحدتی، علیرضا حسن زاده (ویراستار)، خوراک و فرهنگ، تهران: مهرنامگ.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۶): سیه چادرها (تحقیقی در زندگی ایل قشقایی)، تهران: کیان نشر.
- نوذری، عزت الله (۱۳۶۷): ایلات و کولی های استان مرکزی، شیراز: نوید شیراز.

Abbas , R (2001): "The Irani Community From Nomadism to Sedentism". M.A Dissertation, *Department of Archaeology Deccan College, Pune, India* .pp: 77

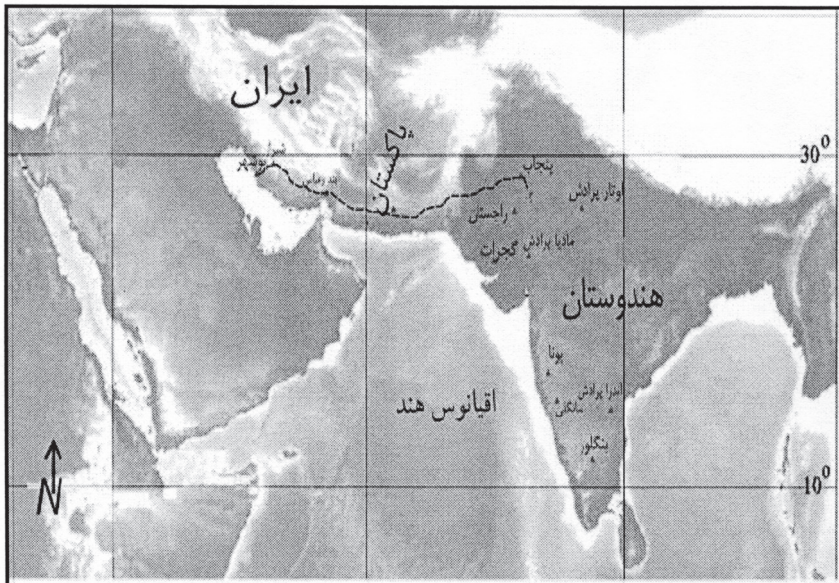
Childers, C.H (1975): Bangaras. Edited by: Saadia .J Sotheimer G.D. in *Pastoralists and Nomads in South Asia*, Wiesbaden, Otto Harrassowitz, pp. 247-265.

Misra. P .K (1977): "The Nomadism Gadulia Lohar of Eastern Rajesthan . *Anthropological Survey of Calcutta, India*, pp: 17-30

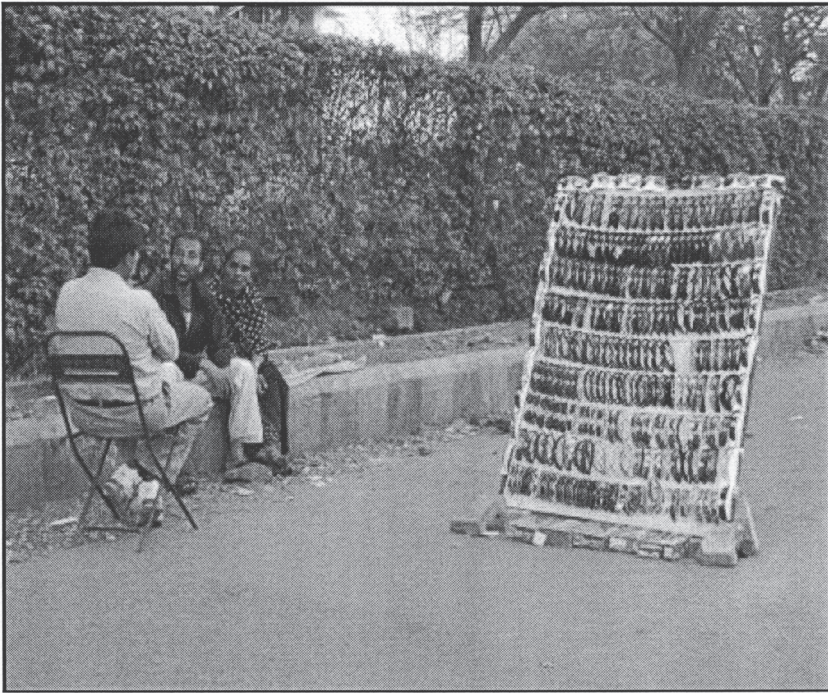
تصاویر مقاله



تصویر ۱. موقعیت ایالت ماهاراشترا، شهر پونا



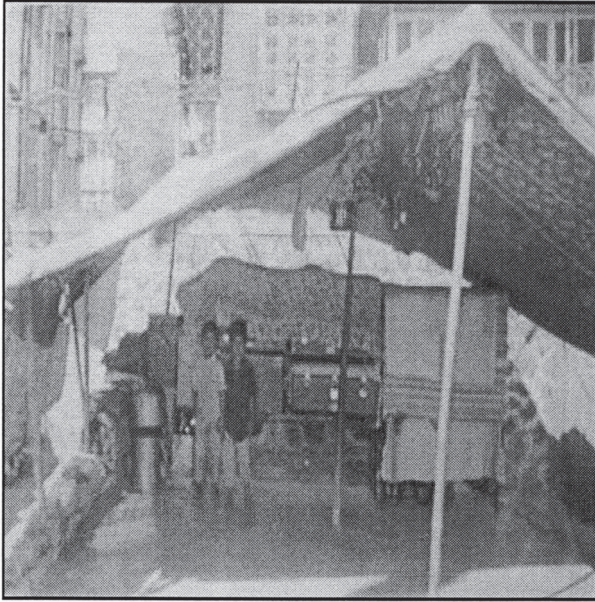
تصویر ۲. مسیر احتمالی مهاجرت بنجاری‌های ایرانی به هند و همچنین پراکندگی آنها بر اساس گفتگوهای انجام شده



تصویر ۳. فروش عینک آفتابی در میان بنجاری های ایرانی مقیم پونا



تصویر ۴. دور نمایی از منازل
بنجاری های مقیم پونا



تصویر ۵. نمای داخلی یکی از چادرهای بنجاری‌های ایرانی مقیم پونا



تصویر ۶. نمای بیرونی چادر بنجاری‌های ایرانی مقیم پونا



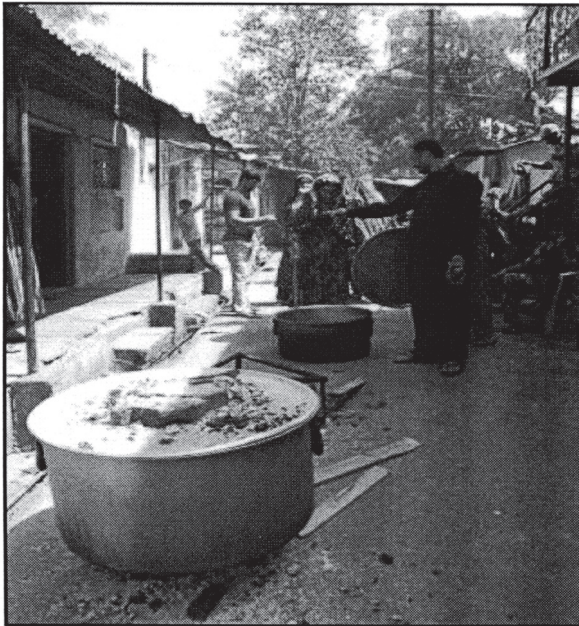
تصویر ۷. پوشش بنجاری های ایرانی مقیم پونا



تصویر ۸. پوشش بنجاری های قدیمی مقیم پونا (عکس از نازی ایرانی)



تصویر ۹. لباس زنان بنجاری ایرانی مقیم پونا در حال حاضر



تصویر ۱۰. بنجاری‌های ایرانی مقیم پونا در حال پخت غذای نذری در روز عاشورا



تصویر ۱۱. زنان بنجاری در حال حمل علم و محفظه ای اند که نماد اسب امام حسین^ع را در آن قرار می دهند



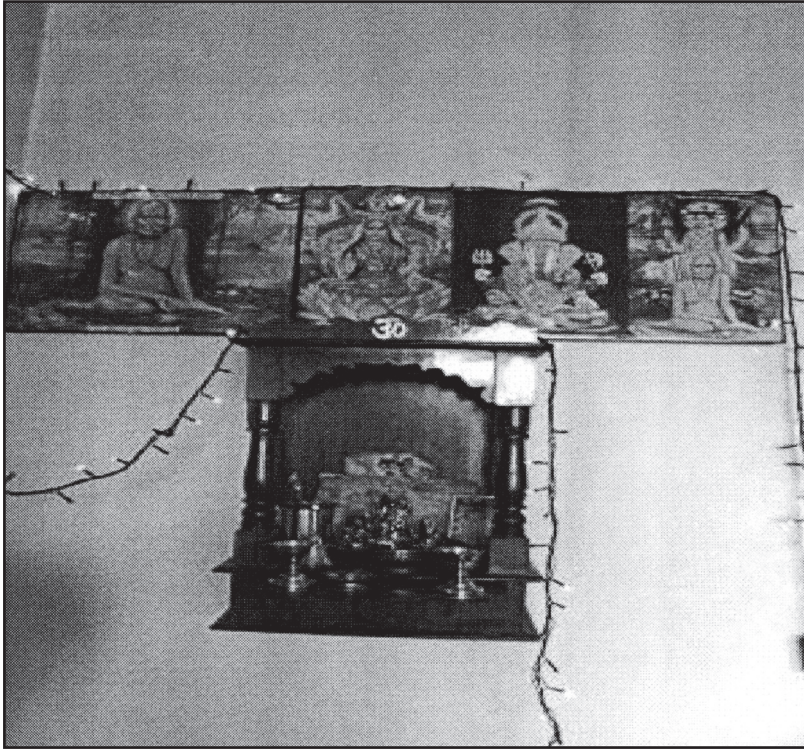
تصویر ۱۲. محفظه‌ای که نماد پنج تن را در آن قرار داده و بر روی سر خود حمل می کنند.



تصویر ۱۳. زن هندو در حال حمل گیاه مقدس بر روی سر، در یکی از مراسم مذهبی



تصویر ۱۴. عبادتگاه در داخل خانه بنجاری‌های ایرانی مقیم پونا



تصویر ۱۵. عبادتگاه در داخل خانه هندو